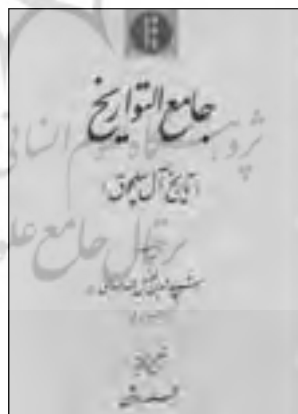


احیاء دیوان سالارے ایرانی در حکومت آل سلجوق

● دکتر قربانعلی کنارودی
عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن



- جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق)
- مؤلف: رشیدالدین فضل الله همدانی
- تصحیح و تحشیه: محمد روشن
- ناشر: میراث مکتوب، ۱۳۸۷، ۳۰۳ صفحه

برآمدن و فرو شدن خاندان سلجوق

در قرون چهارم و پنجم هجری قبایلی از ترکمانان در ایران قدرت را به دست گرفتند. غزنویان اولین گروه از ترکانی بودند که بر این دیار مسلط شدند. در اواخر حکومت آنان، با توجه به مشکلات داخلی و لشکرکشی‌های بی‌ثمر به هند و ضعف و اختلافات درونی، گروه دوم ترکان از خاندان سلجوق توانستند با مهاجرت خود از آسیای مرکزی به سوی ایران، به تدریج آن‌ها را از صحنه سیاسی عقب زده، و خود قدرت را به دست گیرند و یکی از دوران‌های مهم و با اهمیت تاریخ ایران را رقم بزنند.

آنان توانستند یکی از قدرت‌مندترین حکومت‌های ایران را تأسیس کنند و با به‌کارگیری از عناصر نظامی ترک و دیوان‌سالاری ایرانی، نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نوینی در جامعه تحت امر خود با الگوی ایرانی اسلامی ایجاد نمایند. خواجه نظام الملک طوسی به عنوان یکی از چهره‌های برجسته دیوان‌سالاری در این دوره نقش به‌سزایی داشت.

پیروزی طغرل بر سلطان مسعود در دندانقان^۱ را باید پایان قدرت غزنویان دانست. طغرل به خوبی از نقش خلیفه عباسی در تأیید مشروعیت حکومت خود آگاه بود، لذا از همان ابتدا با ارسال نامه‌ای به دربار خلیفه القائم سعی در ایجاد ارتباط با خلافت نمود. «ما بندگان آل سلجوق بن لقمان گروهی هستیم همواره مطیع و هواخواه دولت عباسی و مطوع و منقاد فرائض و سنن»^۲ سلجوقیان سنی مذهب و در صدد اجرای چهار هدف بودند، تحکیم تسلط دنیایی سلاطین سلجوقی، پیوند دین و دولت، نظارت بر سیستم آموزشی، اهمیت دادن به تشکیلات کشوری که از اواخر آل بویه از بین رفته بود^۳. البته باید گفت، هدف عمده آنان تحکیم قدرت خود و ایجاد ثبات سیاسی بود و مواردی که کلوزنر از آن‌ها یاد می‌کند صرفاً راه‌هایی برای نیل به این مقصود است. این دوره به‌واسطه اقدامات عمیدالملک کندری و خواجه نظام الملک اهمیت دارد.

در رأس حکومت سلجوقی سلطان قرار داشت، که تحکیم و بقای قدرتش به غلامان ترک نژاد وابسته بود. این قشر در کل دوره



تندیس سر یک شاهزاده سلجوقی. قرن دوازده میلادی
نگهداری در موزه متروپولیتن نیویورک

سلجوقی مشکلاتی را برای این حکومت ایجاد نمودند. لذا سلاطین اولیه سلجوقی برای کاهش اتکای خود بر ترکمانان پراکنده نیروی ویژه‌ای از غلامان ترک نژاد تشکیل داده بودند که، حکم ارتش ثابتی را داشت که از غلامان، مزدوران و آزادمدان تشکیل می‌شد. این قشون ثابت، از افراد معمولی تشکیل نشده بود، بلکه اغلب آنان افراد تربیت شده‌ای بودند که می‌توانستند در صورت نشان دادن شایستگی خود، غیر از مقامات بلند نظامی دربار به حکومت ایالات و گاه به مقام اتابکی هم برسند.^۴ راوندی همچنین اشاره می‌کند که، ملک‌شاه در بیرون اصفهان شاهدژ را بنا کرد تا جایی برای نگهداری خزانه و سلاح و غلامان تعلیم دیده‌ای باشد که در موقع سفر جنگیش در آنجا محافظت شوند.^۵

تمام قشون و امور مربوط به آن تحت نظر دیوان عرض قرار داشت.^۶ کلوزنر اشاره می‌کند که مقام «شحنه» که همان حاکم نظامی است در کنار حاکم کشوری مسؤول برقراری امنیت در منطقه بوده، که این مقام هم اغلب توسط یک امیر اشغال می‌شده است.^۷ اما او اشاره نمی‌کند که کدامیک از امرای دوره سلجوقی را در نظر دارد، آیا منظور او از امیر، امرای وابسته به دربار است، یا امرای سرحدی و...؟ اما ظاهراً باید منظور او امرای نظامی وابسته به دربار بوده باشد، نه امرای صاحب اقطاع و یا امرای پراکنده در قلمرو سلجوقی. چرا که اصولاً از همان دوران تشکیل و ثبات قدرت سلجوقی، حکومت به اقدامات آن‌ها وابسته بود. اما سلاطین اولیه و مقتدر سلجوقی همراه با ویژگی‌های شخصیتی خود و بهره‌گیری از وزرای اندیشمندی مانند کندری و نظام الملک توانسته بودند مانع قدرت‌یابی آنان شوند و در تحکیم قدرت حکومت از آن‌ها بهره‌گیرند. طغرل و آلپ ارسلان و ملک‌شاه و شخص نظام الملک در بسیاری از نبردها خود شخصاً حضور داشتند. این مسأله باعث نفوذ بیشتر سلاطین بر امرای نظامی می‌شد. امرایی که در خدمت سلجوقیان بودند اغلب غلامانی بودند که آزاد شده بودند،^۸ گرچه بعدها در این حد باقی نماندند.

با روی کار آمدن ملک‌شاه، دوران تازه‌ای از ثبات و قدرت در عهد سلجوقی آغاز شد. پنداری روزگار حکومت او را بهترین زمان سلسله سلجوقی دانسته است و می‌گوید: «به هیچ کشوری لشکر نکشید مگر آن‌که آن‌را فتح کرد و دشمن را مقهور و مستأصل ساخت».^۹ او تلاش داشت در زمینه سپاه اصلاحاتی انجام دهد. شاید این امر بواسطه مشکلاتی بود که در ابتدای به قدرت رسیدن او وجود داشت. البته این تغییرات گاه به خواسته و پیشنهاد نظام الملک صورت می‌گرفت. چرا که با شروع وزارت او نظارت حکومت بر امور نظامی و سیاسی بیشتر شد. البته اقدامات او به مرور زمان و حتی قبل از مرگ وی، منجر به واکنش‌های شدیدی هم از ناحیه امرای نظامی شد.

نظام الملک در طول سی سال وزارت خود، در کنار آلپ ارسلان و ملک‌شاه، ثبات و نفوذ بیشتری را برای سلجوقیان ایجاد نمود. وی که به زعم باسورث از طرف آلپ ارسلان به این لقب «نظام الملک» رسیده بود^{۱۰}، کار خود را از دربار غزنویان شروع نموده بود. او در زمان

آلپ ارسلان توجه خاصی به امور نظامی داشت، و گاهی در جنگ‌ها در کنار سلطان به جنگ می‌رفت. تسلط او بر اداره امور چنان بود که باسورث به نقل از باون سیاست‌های کلی آلپ ارسلان را با تردید به سلطان نسبت می‌دهد.^{۱۱} شاید بتوان ادعا کرد که، سیاست‌های خواجه نظام الملک باعث کنترل شدید بر امرای نظامی و مانع از شورش و نفوذ بیش از اندازه آنان می‌شد. او تلاش داشت در قشون نظامی از افراد کارآمد و قابل استفاده کند. احتمالاً می‌توان اظهار نمود، یکی از عللی که بعد از مرگ وی و ملک‌شاه منجر به نفوذ بیش از اندازه این گروه در امور داخلی می‌شد همین نکته بود، که ابتدا با سیاست خواجه نظام الملک افراد توان‌مندی برای این امور در نظر گرفته شده بود که بعد از مرگ ملک‌شاه و نظام الملک، این قابلیت در جهت کسب قدرت هدایت می‌شد.

وزیر و امرای نظامی دو قدرتی هستند که در دوره سلجوقی تأثیر بسیاری در مسائل سیاسی داشته‌اند. اما هر دو گروه هم‌زمان دارای قدرت و نفوذ مساوی نبوده‌اند. تا زمان نظام الملک قدرت وزیر بیش از امرای نظامی بود. اما باید یادآور شد با مرگ او این تعادل به نفع امرای نظامی بر هم خورد.^{۱۲} لذا می‌بینیم بین قدرت وزراء و قدرت نظامیان در عهد سلجوقی رابطه مستقیمی وجود دارد. اگر نظام الملک توصیه‌هایی در مورد لشکر، نحوه دستمزد آن‌ها به صورت نقدی یا اقطاع دارد، و یا توصیه به جذب جنگاورترین افراد (دیلمیان و خراسانیان) در قشون دارد^{۱۳} این بود که وی می‌خواست تا به این وسیله نفوذ حکومت را بر



مسجد جامع رشتخوار، دوره‌ی سلجوقی

التواریخ را عظیم‌ترین شاهکار تاریخی که در عصر مغول در ایران به تألیف درآمد و از بزرگترین آثار ادبیات ایران و از مهم‌ترین تواریخ عالم می‌داند که در عهد غازان خان و اولجایتو در تحت اداره وزیر دانشمند خواجه رشید الدین فضل‌الله همدانی فراهم آمده است.^۴ مرحوم زرین کوب جامع التواریخ را جسورانه‌ترین و در عین حال عظیم‌ترین طرح در تاریخ نویسی مسلمانان به زبان فارسی می‌داند و آن را یک نوع همکاری بین‌المللی از سوی مورخان و یک نیای فراموش شده تواریخ امروز کیمبرج می‌شمارد که عظیم‌تر از آن نه در آن زمان به وجود آمد و نه قرن‌ها بعد صورت تحقق به خود گرفت.^۵

مطالب جامع التواریخ را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد، وقایعی را که قبل از دوره زندگی مؤلف اتفاق افتاده و وقایعی که در زمان حیات او حادث شده است. البته ناگفته نماند از نظر اهمیت هیچ یک بر دیگری برتری و رجحان ندارد. مطالب قسمت اول نیز به همان دقت و روشنی مدون شده، که مطالب قسمت دوم نوشته شده است. خواجه رشیدالدین با در اختیار گرفتن منابع دست اول و بسیار ارزنده از زمان‌های قبل و

این گروه بیشتر حفظ کند. حتی احیای مذهب سنت در عراق و ایران و بنای مدرسه‌سازی نیز در راستای حفظ قدرت بیشتر سلجوقی بوده است.

حاکمیت سلجوقیان با قتل نظام الملک و مرگ ملکشاه رو به افول نهاد و دوره‌ای از بی‌ثباتی سیاسی آغاز شد که با قتل طغرل سوم به دست خوارزمشاهیان به اتمام رسید. اگر چه سقوط آن‌ها تنها ناشی از این ضربه خارجی نبود و عوامل دیگری نظیر ضعف و اختلافات درونی حکومت، تیره شدن روابط بین سلجوقیان و نهاد خلافت، درگیری با اسماعیلیان در آن نقش بسزایی داشت.

بررسی کتاب آل سلجوق در جامع التواریخ

کتاب جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی اثری ارزشمند در تاریخ عمومی و تاریخ ایلخانان مغول است. با توجه به جنبه‌های مختلف تاریخ اقوام و ملل شاید بهتر آن باشد که آن را دایرة‌المعارفی به جا مانده از دوره مغول دانست. مرحوم اقبال جامع

سلجوقیان توانستند یکی از قدرت‌مندترین حکومت‌های ایران را تأسیس کنند و با به‌کارگیری عناصر نظامی ترک و دیوان‌سالاری ایرانی، نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نوینی در جامعه تحت امر خود با الگوی ایرانی اسلامی ایجاد نمایند

دیوان‌سالاری ایران

حاکمیت سلجوقیان با قتل نظام الملک و مرگ ملکشاه رو به افول نهاد و دوره‌ای از بی‌ثباتی سیاسی آغاز شد که با قتل طغرل سوم به دست خوارزمشاهیان به اتمام رسید

دیوان سالاری ایران

راوندی به این نتیجه رسیده که تاریخ آل سلجوق به طور آشکاری از سلجوق‌نامه ظهیرالدین نیشابوری و همچنین ذیل سلجوق‌نامه از ابوحامد محمدبن ابراهیم گرفته و تلخیص شده است.

از جمله نکات دیگری که ما را به این سخن مصحح به یقین می‌رساند سبک و اسلوب تاریخ‌نگاری ظهیرالدین نیشابوری است. سبک و روش نیشابوری تاریخ‌نگاری سلسله‌ای است که با ذکر صفات سلطان و برخی از وقایع مرتبط با جلوس او آغاز و سپس با حوادث ایام حکومت هر سلطانی خاتمه می‌یابد. در پایان هر بخشی برخی از صفات شخصی سلطان، ذکر وزرای او و حتی برخی از عوامل برجسته دربار و درگاه، معرفی می‌شود. این شیوه کاملاً در تاریخ آل سلجوق خواجه

همچنین استفاده از مورخان سایر ملل و اقوام و افراد مطلع از تاریخ پیشینیان این قسم از تاریخ جامع خود را تدوین نماید.

کتاب تاریخ آل سلجوق بخشی از جامع التواریخ است که به واسطه اهمیت این سلسله مورد توجه خواجه رشیدالدین فضل‌الله قرار گرفته است. چنانچه در مقدمه آن می‌نویسد «و از این جماعت سلاطین بزرگوارتر و بر رعیت مشفق‌تر و به رعایت خلق سزاوارتر از ملوک آل سلجوق رحم الله الماضین منہم، نبوده‌اند...چه چندان خیرات و مبرات که در ایام دولت ایشان ظاهر گشت از احیای معالم دین و تشیید قواعد مسلمانی و بناء و انشاء مساجد و مدارس و رباطات و قناطر و مسبلات و اوقاف و ادرار و انظار که بر علما و صلحا و قضات و سادات و زهاد و عباد و اخیار و ابرار کرده‌اند در هیچ روزگاری نبودست و آثار آن در ممالک اسلام هنوز باقی است»^{۱۶}.

و در ادامه می‌افزاید که به حکم آن که بر آن هستیم تا تواریخ جمله اهل عالم را در جامع التواریخ جمع کنیم به آل سلجوق پرداخته تا «در انساب و احساب و آداب و سیر پسندیده ایشان آنچه در کتب مدون بود، تصنیفی مختصر کردن...»^{۱۷} خواجه به صراحت در این مقدمه به تصنیف کتاب تاریخ آل سلجوق از کتب تدوین شده پیشینیان اشاره می‌کند اما از ذکر آن کتب خودداری می‌نماید.

تصحیح و چاپ تاریخ آل سلجوق برای اولین بار توسط کارل یان در لیدن به سال ۱۹۶۰م صورت گرفت. تا این که استاد محمد روشن در سال ۱۳۸۷ به تصحیح و چاپ آن به همراه سایر جلد‌های جامع التواریخ پرداخت.

از نکات قابل توجه در این تصحیح مطابقت تاریخ آل سلجوق با سایر کتب تألیف شده درباره سلجوقیان به منظور روشن نمودن کتاب و یا کتاب‌هایی است که احیاناً خواجه و گروه مورخان او از روی آن به نگارش و تدوین پرداخته‌اند. مصحح با مقابله و مطابقت تاریخ آل سلجوق با کتبی چون سلجوق‌نامه اثر ظهیر الدین نیشابوری متوفی به سال ۵۸۲ ه.ق و ذیل سلجوق‌نامه از ابوحامد محمدبن ابراهیم که به سال ۵۹۹ ه.ق تألیف شده و همچنین آثار دیگری چون راحة الصدور وآیه السرور از نجم‌الدین ابوبکر محمدبن علی بن سلیمان بن محمد



برج طغرل، دوره‌ی سلجوقی

وزیر و امرای نظامی دو قدرتی هستند که در دوره سلجوقی تأثیر بسیاری در مسائل سیاسی داشته‌اند. اما هر دو گروه هم‌زمان دارای قدرت و نفوذ مساوی نبوده‌اند

از مطالب مهم دیگری که در آغاز شکل‌گیری قدرت سلجوقی مورد توجه مورخ بوده، نوشتن نامه و ارسال خبر پیروزی سلجوقیان به خلیفه و اعلام اطاعت و فرمان‌برداری از او بوده است. «ما بندگان آل سلجوق بن لقمان گروهی هستیم همواره مطیع و هواخواه دولت عباسی و مطوع و منقاد فرائض و سنن»^{۲۰}

فصل دیگری از این بخش به شورش بساسیری در عراق بر ضد خلیفه و استمداد خلیفه از طغرل و شکست خوردن بساسیری در ۴۵۱ هـ.ق به دست طغرل اشاره دارد.^{۲۱} در پایان نیز مرگ طغرل و جانشینی آلپ ارسلان با کمک وزیری چون نظام الملک را آورده است.^{۲۲}

مؤلف در بخش دیگری از تاریخ خود به ذکر پادشاهی سلطان آلپ ارسلان می‌پردازد. از نکات مهم در این بخش اشاره به قتل وزیر عمید الملک ابونصر کندری است. مورخ تنها با اشاره‌ای مختصر علت برکناری و سپس قتل وزیر را کفایت و درایت و دوراندیشی او می‌داند و حسادتی که نظام الملک به او داشت. آنگاه حکایت مشهور عمید الملک را نقل می‌کند که «عمت طغرل بک این جهان را به من داد تا بر آن حکم کردم و تو آن جهانم دادی که از تو درجت شهادت یافتیم، خود از شما مرا دینی و آخرت حاصل شد و رای این سعادت نتواند بود. و خواجه را بگوی: بد بدعتی و زشت قاعده‌ای در جهان آوردی به وزیر کشتن و عاقبت آن نیندیشیدی، ترسم که این سنت در حق خود و اخلاف و اعقاب باز بینی...»^{۲۳}

جنگ ملازگرد و آغاز و انجام آن از تفصیل بیشتری در این بخش برخوردار است، اما باز مورخ از ذکر علت وقوع جنگ به آسانی می‌گذرد. از مطالب قابل توجه در این بحث کیاست و فراست خواجه نظام الملک در رهاندن سلطان آلپ ارسلان از دست دشمن است.^{۲۴} پایان فصل نیز به قتل سلطان به دست یکی از قلعه بانان در ماوراء النهر می‌پردازد.^{۲۵} دوران حکومت سلطان ملکشاه و به دست گرفتن سلطنت و اداره امور کشوری و لشکری به دست با کفایت و رأی صائب و عزم نافذ خواجه نظام الملک در بخشی جداگانه آورده شده است. مورخ می‌نویسد «و از جمله اقبال‌های او آن‌که وزیری داشت مانند نظام الملک که وزیری مثل او نادر افتد، مقتدای صدور عالم و پیشوای دهات بنی

رشیدالدین فضل الله به کار گرفته شده است. محتویات کتاب تاریخ آل سلجوق شامل چهارده بخش و یک ذیل کوتاه از ابو حامد محمد بن ابراهیم در خصوص خاتمه کار سلطان طغرل است. خواجه رشیدالدین فضل الله در سرآغاز کتاب، دودمان سلجوقیان را معرفی می‌نماید چنان‌چه شیوه معمول وی در دیگر آثار نیز هست. سپس به نحوه شکل‌گیری قدرت و گسترش آنان در نواحی ترکستان و سمرقند و همچنین پیوستگی آنان به غزنویان اشاره می‌کند.^{۱۸} در همین قسمت از تاریخ خود به چگونگی شکست سلطان مسعود غزنوی در نبرد دندانقان در اثر اتحاد و یکدلی سلجوقیان اشاره می‌کند.^{۱۹}



مسجد جامع گرگان، دوره سلجوقی

از ویژگی‌های این کتاب اختصار در بیان وقایع و رویدادها است. شاید بتوان گفت نزدیکی زمانی این سلسله به عصر مغول و اخبار و اطلاعاتی که در بین عموم مردم رواج داشته، از علل مهم این امر بوده باشد

دیوان سالارے ایران

آدم^{۲۶}

حکایت اختلاف ملک‌شاه و نظام الملک و رقابت پنهان تاج الملک با نظام الملک از دیگر مطالب خواندنی در این بخش از کتاب است. مورخ علت تغییر رویه سلطان را نسبت به خواجه نظام الملک، تسلط و تمکن خواجه و همچنین مخالفت او با جانشینی فرزند ترکان خاتون و مخالفت این بانو در ادامه وزارت نظام الملک می‌داند.^{۲۷}

نکته دیگر در این بخش نتیجه‌گیری مورخ در خصوص تبدیل و تغییر دادن اصحاب مناصب دیوانی در ایجاد بی‌ثباتی سیاسی است و می‌نویسد «نشاید پادشاه را به هیچ وجه بندگان قدیم خود را آزدن و از مرتبه و درجه بینداختن»^{۲۸}

بخش چهارم اختصاص به پادشاهی برکیارق بن ملک‌شاه دارد. این دوره مشحون از وقایع سیاسی و جنگ‌های پی‌درپی در درون خاندان سلجوقی است.^{۲۹}

بخش پنجم از تاریخ آل سلجوق به دوره محمدبن ملک‌شاه می‌پردازد. مؤلف او را پادشاهی عادل معرفی می‌کند که تلاش زیادی در مدت هفت سال برای قلع و قمع اسماعیلیان از خود به خرج داد.^{۳۰} از مطالب خواندنی در این فصل، اقدامات احمدبن عبدالملک عطاش از سران اسماعیلیه در اصفهان در جذب و دعوت مردم به سمت این فرقه و قتل و کشتاری که او در این شهر انجام داده، است.^{۳۱}

ذکر دوران پادشاهی سلطان سنجر در بخش ششم تاریخ آل سلجوق آمده است. در ایام حکومت او فتوحات زیادی صورت گرفت. از نکات مهم و خواندنی این بخش شکست سلطان سنجر از لشکریان قراختایی است که احشام خود را در نواحی سمرقند مستقر کرده بودند. مورخ در علت این شکست به چند دلیل اشاره می‌کند. ۱- عدم اتحاد در بین سپاه سلجوقی. ۲- غرور و گمراهی اهالی خراسان (سلجوقیان) که معتقد بودند کسی در جهان قوت مقاومت و قدرت روبه‌رو شدن با آن‌ها را ندارد. ۳- تعداد سپاهیان گورخان و لشکر قراختاییان. پس از این شکست قراختاییان تا سال ۶۰۹ ه.ق که سلطان محمد خوارزمشاه ایشان را شکست داد بر نواحی ماوراء النهر مسلط شدند.^{۳۲}

مطلب مهم دیگری که در این بخش مورد توجه است، پرداختن

مؤلف به بخشی از تاریخ غوریان و ارتباط آن‌ها با ملوک سلجوقی و خوارزمشاهی است.^{۳۳}

بخش هفتم از تاریخ آل سلجوق به طور خلاصه حکومت محمودبن محمد بن ملک‌شاه را بیان می‌کند. دوران حکومت او در عراق چهارده سال بود و در این مدت بر جملة احوال ملک واقف بود.^{۳۴}

دوران کوتاه سه ساله سلطنت طغرل بن محمدبن ملک‌شاه با جنگ خونینی بین برادران او مسعود و سلجوق با سلطان سنجر که به کشته شدن بیش از چهل هزار نفر انجامید، آغاز شد.^{۳۵}

بخش نهم کتاب با اختلاف موجود بین سلطان مسعود و سلطان طغرل و مخالفت خلیفه مسترشد در بغداد و انداختن نام مسعود از خطبه آغاز می‌شود. از نکات مهم و برجسته در این بخش اشاره مؤلف به اسامی امرای نظامی و اتابکان و تأثیر حضور آنان در ثبات و یا بی‌ثباتی سیاسی اواخر عهد سلجوقی است.^{۳۶}

بخش‌های دهم تا چهاردهم کتاب به دوران کوتاه و مختصر حکومت ملک‌شاه بن محمودبن محمد، محمدبن محمودبن محمدبن ملک‌شاه، سلیمان شاه بن محمدبن ملک‌شاه، ارسلان بن طغرل بن محمدبن ملک‌شاه و سلطان طغرل بن ارسلان بن طغرل بن محمدبن ملک‌شاه اختصاص دارد. این دوران نیز بنا بر روایت مؤلف به شراب و لهو و عیش و عشرت^{۳۷}، رقابت امیران و اتابکان با یکدیگر و دخالت در امور حکومتی^{۳۸}، گذشت.

در پایان کتاب تاریخ آل سلجوق نیز همچون سلجوق‌نامه ظهیری، ذیل ابوحامد محمدبن ابراهیم به صورت خلاصه آورده شده است. که در آن به خاتمه کار آخرین سلطان سلجوقی به دست سلطان تکش خوارزمشاه اشاره می‌شود.^{۳۹}

مصحح محترم پس از پایان تصحیح متن اصلی به طور مفصل شرح نسخه بدل‌های تاریخ آل سلجوق را برای علاقه‌مندان به کار تحقیق و تصحیح، آورده است. همچنین صفحاتی را اختصاص به واژه‌نامه‌های داخل متن داده است. و سرانجام کتاب با فهرست آیات قرآنی، اشعار تازی، عبارت‌های تازی، اشعار فارسی. نام‌های کسان و

بی تردید این کتاب در مجموعه جامع التواریخ اثر بزرگ تاریخ نگاری عصر مغول، جایگاه ممتازی دارد و به یکی از سلسله‌های مهم ایران، هم از نظر ایجاد یک حکومت یکپارچه و منسجم در مرزهای سیاسی کشور و هم به کارگیری عنصر خلاق ایرانی در دیوان‌سالاری و زنده کردن ساختارهای ایران شهری و سلطنت ایرانی - اسلامی نقش بسزایی داشت

دیوان‌سالاری ایران

شهرها به پایان می‌رسد.

بی تردید این کتاب در مجموعه جامع التواریخ اثر بزرگ تاریخ نگاری عصر مغول، جایگاه ممتازی دارد. همان‌طور که خواجه رشیدالدین فضل‌الله نیز بدان اشاره کرد، این کتاب به یکی از سلسله‌های مهم ایران، هم از نظر ایجاد یک حکومت یکپارچه و منسجم در مرزهای سیاسی کشور و هم به کارگیری عنصر خلاق ایرانی در دیوان‌سالاری و زنده کردن ساختارهای ایران شهری و سلطنت ایرانی اسلامی نقش بسزایی داشت. در تدوین این کتاب همان‌طور که مصحح محترم به خوبی به آن اشاره کردند تنها از یک کتاب بهره گرفته شده و از مآخذ گوناگون استفاده‌ای نشده است. اما با این حال رعایت بی‌طرفی و انصاف مؤلف درباره سلجوقیان ستودنی است. از ویژگی‌های این کتاب اختصار در بیان وقایع و رویدادها است. شاید بتوان گفت نزدیکی زمانی این سلسله به عصر مغول و اخبار و اطلاعاتی که در بین عموم مردم رواج داشته از علل مهم این امر بوده باشد. رشیدالدین در تدوین این کتاب توجه خاصی به سیر منطقی وقایع از طغرل اول تا طغرل سوم، آخرین سلطان سلجوقی دارد.

پی‌نوشت:

- ۱- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، زریاب، ۱۳۷۸، صص ۹۵۲ به بعد به شرح جزئیات این نبرد پرداخته است.
- ۲- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوقی)، تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۷، ص ۱۴
- ۳- کلوزنز، کارلا. دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، ترجمه یعقوب آژند انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۵
- ۴- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوقی، تصحیح: محمد اقبال، چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۶۴، ص ۲۳۰
- ۵- همان، ص ۱۵۶
- ۶- بنداری اصفهانی، زبده النصره و نخبه العصر (تاریخ سلسله سلجوقی)، ترجمه محمد حسین جلیلی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۶۷
- ۷- کلوزنز، ص ۳۱
- ۸- لمبتون، آن.ک.س. تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، نشر نی، تهران چاپ دوم تهران ۱۳۸۲، ص ۲۲۰
- ۹- بنداری، ص ۶۳

۱۰- باسورث، سی.ای. تاریخ سیاسی و دودمانی ایران، تاریخ ایران کمبریج، ج ۵، ترجمه حسن انوشه چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۶۶، ص ۶۲

- ۱۱- همان ص ۶۳
- ۱۲- کلوزنز، ص ۱۰۹
- ۱۳- نظام الملک، خواجه حسن بن علی، سیاست‌نامه (سیرالملوک)، تصحیح هیوبرت دارک، انتشارات علمی فرهنگی، تهران چاپ چهارم ۱۳۷۸، ص ۱۳۶
- ۱۴- اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۶۵، ص ۴۸۸
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۰، ص ۷۵
- ۱۶- رشید الدین فضل‌الله، ص ۲
- ۱۷- همان، ص ۳
- ۱۸- همان، ص ۱۱
- ۱۹- همان، ص ۱۴
- ۲۰- همان، ص ۱۴
- ۲۱- همان، ص ۱۸
- ۲۲- همان، ص ۲۱
- ۲۳- همان، ص ۲۳
- ۲۴- همان، ص ۲۴
- ۲۵- همان، ص ۲۹
- ۲۶- همان، ص ۳۱
- ۲۷- همان، ص ۳۵
- ۲۸- همان، ص ۳۷
- ۲۹- همان، صص ۴۱-۴۷
- ۳۰- همان، ص ۴۸
- ۳۱- همان، ص ۵۰
- ۳۲- همان، ص ۶۰
- ۳۳- همان، صص ۶۱-۶۳
- ۳۴- همان، ص ۷۲
- ۳۵- همان، ص ۷۶
- ۳۶- همان، صص ۷۹-۹۱
- ۳۷- همان، ص ۹۳
- ۳۸- همان، ص ۱۰۷
- ۳۹- همان، ص ۱۲۴